نماد و سنت های سوگواری عاشورایی

پدید آورنده : محمد سهلانی ، صفحه 39

اشاره:

انسان موجودی اجتماعی و دارای حالت ها و رفتارهای گوناگون است که در رویارویی با برخوردهای اجتماعی، واکنش های متفاوتی دارد. سوگواری، بازتاب یکی از این برخوردهاست که از عواطف انسانی بر می خیزد و با رفتارهایی مانند گریستن و فریاد زدن به دلیل از دست دادن نزدیکان همراه است. بدین ترتیب، گونه ای تخلیه روحی و روانی صورت می پذیرد.

مراسم عزاداری سالار شهیدان، فرهنگی پر بار و سنتی شکوهمند است که تاریخی مقدس و جغرافیایی آسمانی، آن را در بر گرفته است. این عزاداری ها با گذشت زمان، به یک جنبش اجتماعی تبدیل شده و بخشی از فرهنگ مردم گردیده است. هر چند نوع و شکل آن از فرهنگ بومی آنان سرچشمه می گیرد ولی همه آن ها در ابراز حزن و اندوه مشترکند. البته هر چه فرهنگ پر بارتر و ژرف تر باشد، این آیین با پیام رسانی بیشتری برپا داشته می شود.

به یقین، همین ویژگی مرز جدا کننده اندیشه اسلامی از اندیشه غربی است؛ چرا که نگاه غرب به دنیا و امیال حیوانی محدود شده و هر آموزه متعالی را که خارج از دایره حس و ماده باشد، امری موهوم می انگارد. عاشورا، حادثه ای است که در زمان و سرزمین معینی رخ داده است. با این حال، همانند قرآن و دیگر احکام آسمانی، با غیب پیوندی جدا نشدنی دارد. عاشورا، مفهومی آسمانی است که هماره در زندگی یک مسلمان جریان دارد. هر چند این حادثه در سال 61 هجری روی داده، ولی حصار زمان را در هم شکسته است و جاودان می باشد. بنابراین، یادبود آن، هر ساله با چنان شور و التهابی برگزار می شود که گویی هم اینک رخ داده است و این تکرار هرگز از شکوه آن نمی کاهد.

حساسیت زنده داشتن مراسم عاشورا

یکی از عنصرهای اصلی در هر سوگواری، زنده کردن یاد و خاطره عزیزی از دست رفته و از سر گرفتن ماتم و مصیبت او است و دیگر عنصرها در پرتو همین یادکرد، به پایداری و پویایی فرهنگ عزاداری می انجامد. در این میان سوگواری عاشورایی، برقراری گونه ای ارتباط عاشقانه با عاشوراییان و بازتاب دهنده اصل تولاّی اهل بیت «علیهم السلام» و تبرّی از ستم پیشه گان گذشته، حال و آینده است. برپایی این مراسم با بخش ها و شیوه های گوناگون آن، به نحوی شرکت در حماسه عاشوراییان به دلیل هماهنگی با روح ظلم ستیز آنان و اعتراضی آشکار به ستم هایی است که به آن ها رفته است. بنابراین از جمله عالی ترین اهداف برپایی چنین مراسمی، افشاگری و نمایاندن چهره واقعی کسانی است که در حادثه کربلا بر اهل بیت اطهار «علیهم السلام» ستم روا داشته اند.

با برپایی آیین عزاداری، شرکت کنندگان در آن از ستم کاری گروه باطل و مظلومیت سپاه حق آگاه می شوند که اگر این اهداف به نحو مطلوب پیاده گردد، سرمشق گرفتن از نهضت آگاهی بخش امام حسین «علیه السلام» در جامعه، نهادینه می شود. در این حالت، محفل های سوگواری به مکتبی برای آموختن درس پایداری و ستم ستیزی تبدیل می شود. همزمان با آن، بینش دینی مردم، درباره مفهوم عدالت و آزادی در مسیر اصولی و ناب آن جهت خواهد یافت. امام خمینی «ره» نیز بر اساس همین نگرش در جمله ای تاریخی فرموده است:

«این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.» زنده نگه داشتن عاشورا یک مسئله بسیار مهم سیاسی - عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داده، یک مسئله سیاسی است. یک مسئله ای است که در پیشبرد انقلاب، اثر بسزا دارد. ما از این اجتماعات استفاده می کنیم، ما از آن الله اکبرها، ملت ما از آن الله اکبرها استفاده کرد. آن الله اکبرها را باید حفظ بکنیم».

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می فرماید:

«مردم باید در این مجالس شرکت کنند، قدر آن ها را بدانند و از آن ها استفاده کنند. مردم این مجالس را وسیله ای برای ایجاد اتصال و ارتباط هر چه محکم تر روحی و قلبی میان خود و حسین بن علی «علیه السلام» و خاندان پیغبمر «صلی الله علیه و آله» و روح اسلام و قرآن قرار بدهند».

نمادهای عزاداری

آیین سوگواری عاشورایی در دوران زندگی پیشوایان معصوم شیعه نیز جریان داشته و مورد تأیید و حتی تشویق آن بزرگواران نیز قرار گرفته است و به جرأت می توان گفت ائمه معصوم «علیهم السلام» در گسترش فرهنگ سوگواری عاشورایی نقش بسزایی داشته اند. آن بزرگواران با برپایی مجلس های گوناگون عزاداری، یاد و خاطره شهیدان کربلا را زنده نگاه می داشتند. آنان بر این نکته پافشاری می کردند که حتی اگر بر خود انسان، مصیبتی وارد شود، شایسته است به نیّت زنده نگاه داشتن مصیبت امام حسین «علیه السلام» بر آن عزا بگرید.

پس از حادثه کربلا، مجالس سوگواری به صورت ژرف تر و رسمی تر در جامعه گسترش یافت و عاشورا سبب انسجام و نوعی رسمیت یافتن آن گردید. امامان در دوران خفقان اموی و عباسی، شاعران هم عصر خویش را به طور پنهانی فرا خوانده و با برپایی مجالس عزاداری، نوحه سرایی آنان را می شنیدند و به همراه دیگر حاضران می گریستند. «کمیت بن زید اسدی» یکی از این شاعران است که اشعار جان سوزی در توصیف حادثه کربلا سروده است. امام باقر «علیه السلام» درباره ایشان فرمود: «اگر سرمایه ای داشتیم، در پاداش شعر کمیت به او می بخشیدیم، ولی جزای او همان دعایی است که پیامبر درباره حسّان بن ثابت فرموده است و به دلیل دفاع از اهل بیت همواره از پشتیبانی فرشته روح القدس برخوردار خواهد بود».

هم چنین ایشان در تشویق مردم به برپایی این آیین می فرمود:

«در روز عاشورا برای امام حسین «علیه السلام» مجلس عزاداری برپا دارید و همراه با خانواده بر مصایب آن حضرت بگریید و شیون و زاری کنید.» هم چنین هنگام دیدار، بر آن حضرت بگریید و همدیگر را تعزیت دهید و بگویید: اَعظَم الله اُجورنا بِمُصابِنا بِالحُسین «علیه السلام» و جَعَلنا و ایّاکُم مِنَ الطّالبینَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِیّهِ الامامَ المَهدی مِن آلِ محمّدٍ. هر کس چنین کند، من پاداش دو هزار حج و عمره و جهاد در رکاب رسول الله «صلی الله علیه و آله» و ائمه «علیهم السلام» را برایش تصمین می کنم.

در هر حال، سوگواری، نمادهای مختلف یافته و قالب های گوناگون به خود گرفته که هر یک به شیوه های متفاوتی اجرا می شود.

هیئت های مذهبی؛ برجسته ترین نماد مراسم عاشورا

سوگواری عاشورایی بیش تر در قالب برپایی هیئت و تکیه صورت می گیرد؛ زیرا رویکرد مردمی به آن بیش تر به چشم می خورد. در چنین مراسمی، مردم در آغاز از سخنرانی یک واعظ بهره مند می گردند. از این رو می توان گفت چنین محافلی بیشترین نقش را در ارتقاء سطح دانش و بینش اسلامی شرکت کنندگان ایفا می کند. سپس به خواندن مراثی اهل بیت «علیهم السلام» می پردازند. در فرهنگ دهخدا «مرثیه» چنین تعریف شده است: «مرده ستایی، عزاداری، شرح محامد و اوصاف مرده، چکامه ای که در عزای از دست رفته ای سرایند، گریستن بر مرده و بر شمردن ذکر محاسن وی، سوگواری، روضه، مراسم عزایی که به یاد شهیدان راه دین به خصوص در ایام محرم و یاد واقعه کربلا برپا کنند، اشعاری که در ذکر مصیبت و شرح شهادت پیشوایان راه دین به خصوص در ایام محرم و یاد واقعه کربلا بر پا کنند، اشعاری که در ذکر مصیبت و شرح شهادت پیشوایان دین و به خصوص شهیدان کربلا سرایند و خوانند».

اگر چه مرثیه مفهومی کلی دارد، اما می بینیم که در ادبیات فارسی مرثیه از مفهوم خاص خود منصرف و در ردیف مفاهیم کلی قرار گرفته است به گونه ای که در این فرهنگ، مرثیه - سوای مفاهیم کلی اش - به سوگواری عاشورایی ترجمه شده است و از روی تعیّن، به دلیل کثرت استعمال در این معنی، حقیقت یافته است.

این شیوه سوگواری مشتمل بر چند بخش دیگر مانند شعر خوانی، روضه خوانی، سینه زنی، و در نهایت دعاست. در واقع برپایی هیئت یا تکیه، سنتی ترین سبک عزاداری است که در زمان ائمه اطهار «علیهم السلام» نیز رواج داشته است. نوحه، شعری است موزون که عزاداران با شنیدن آهنگ آن به سینه زنی می پردازند. نوحه خوانی نیز بخش های گوناگونی دارد که عزاداران با شنیدن تغییر آهنگ از سوی مداح، فاصله زمانی آن را تغییر می دهند. روضه خوانی در این گونه مجلس ها رکن اصلی سوگواری به شمار می رود و ممکن است که مراسمی تنها از همین یک بخش تشکیل شده باشد. چه بسا در بسیاری از مجلس های خانگی، تنها روضه خوانی انجام شود و از دیگر موارد چشم پوشی می کنند. امروزه نمادهای دیگری چون شبیه خوانی، زنجیرزنی و... نیز با سابقه تاریخی متفاوت در آداب و رسوم مردم وجود دارد.

نمادهای نادرست سوگواری عاشورایی

گاهی درخت تنومند و ریشه دار سنت های دینی به دلیل برخی از عملکردها و بهره برداری های نادرست آسیب می بیند و کم کم بخشی از آن به یک سنت غلط تبدیل می گردد. چنین پدیده ای که از سهل انگاری های کوچک ریشه می گیرد گاه اهداف بزرگ را خدشه دار می سازد، و به طور ناخواسته، بستر را برای برآوردن اهداف پلید دشمنان اسلام و انقلاب فراهم می سازد و گاه سبب می شود افرادی که از خوان پر نعمت سوگواری عاشورایی بی بهره اند و آن را سنتی، ناکارآمد و گاه بیهوده می انگارند، این انحراف ها را دست آویزی برای هجوم به اصل فرهنگ عاشورا قرار می دهند.

در این جا یادآوری این نکته بجا می نماید که اگر پندار چنین افرادی صحیح می بود دشمنان انقلاب و تشیع هرگز محافل سوگواری عاشورا را کانون حملات فرهنگی خویش قرار نداده و نسبت به آن موضعی بی تفاوت اتخاذ می نمودند. اما آشکار است که آنان سال ها بلکه قرن هاست که تلاش دارند حیات اندیشه عاشورایی را با ابزارهای گوناگونی چون تحریف در قالب و محتوا با خطر مواجه سازند. عدم توجه به این مسئله، ریزش نیروهای خودی و مذهبی را به دنبال دارد. از این رو گاه تمایل نشان دادن به این کارکردهای نادرست چنین پیامدهایی در پی خواهد داشت. هر چند باید بپذیریم که گاه این اعمال از عشق فراوان ولی نا آگاهانه افراد نسبت به خاندان وحی و مکتب اسلام سرچشمه می گیرد و در اخلاص آنان دست کم در سوگواری نمی توان تردید کرد، اما شایسته است با نظارت دقیق تر فرهیختگان و دانشوران جامعه اسلامی و نیز دلسوزان این فرهنگ، از پیدایش چنین آسیب هایی در پیکره فرهنگ عاشورا پیش گیری کرد.

و بدین ترتیب، اهداف دشمنان تشیع و نظام را در پراکنده نمودن مردم و دل زده ساختن آنان از جریان خروشان عاشورا، نقش بر آب ساخت. اینک که مکتب تشیّع پس از سال ها محدودیت، فشار و ارعاب جایگاه نسبی مناسب خود را در عرصه جهانی کسب نموده است، باید کوشید تا سطحی نگری برخی افراد ناآگاه، به خدشه دار شدن این جایگاه و نیز روی گردانی انسان های آگاه و جویای حق و حقیقت از آیین تشیّع نینجامد.

از آن جا که امروز، عزاداری در تداوم مکتب تشیع و نظام اسلامی، نقش فراوانی دارد بایستی با پالایش سنت ها و نمادهای سوگواری، خط سرخ شهادت طلبی، مبارزه و فداکاری را تداوم بخشید. این پالایش باید در اشعار، تاریخ نگاری، برداشت ها و اجرای سنت ها صورت گیرد تا از رخ دادن بدعت ها پیش گیری شود. با نظارت دقیق بر هیئت ها و دسته های عزاداری، تعزیه خوانی و پیش گیری از رفتارهای ناسازگار با موازین شرعی و اعتقادی و اعمالی به دور از عقلانیت مانند قمه زدن، قفل و تیغ زدن بر بدن، قلاده بستن، سینه خیز رفتن به سوی حرم اهل بیت «علیهم السلام» و صورت به زمین خراشیدن، و دیگر رفتارهای وهن آمیز می توان این جریان را مهار کرد.

این سنت های ناپسند و رفتارهای ناهنجار، با عقل و سیره رفتاری ائمه اطهار «علیهم السلام» و علما و بزرگان دینی مخالفت دارد؛ چرا که در اخبار و روایات هیچ گونه تأییدی برای آن ها وجود ندارد. این رفتار از نگرش های ناروا و سلیقه های ناصواب افراد در مسئله عزاداری برخاسته است که گاهی در قالب بدعت های ناپسند، به فرهنگ عاشورا آسیب می رساند که سیر جدیدی از آن چندی است از سر گرفته شده است.

سنت های غلط از دیدگاه مقام معظم رهبری

نیکوست سخن را در این مقوله با کلام ولیّ امر - دام ظله - دنبال کنیم: «یک کارهایی است که مردم را به خدا و دین نزدیک می کند. این عزاداری های سنتی، مردم را به دین نزدیک می کند و امام فرمودند: عزاداری های سنتی بکنید. در مجالس نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن، مواکب عزا راه انداختن، دسته جات عزاداری همان چیزهایی است که عواطف را نسبت به خاندان پیغمبر «صلی الله علیه و آله» پرجوش می کند که بسیار خوب است. یک کارهایی هم هست که به عکس، کسانی را از دین بر می گرداند.

1. روند جدید سنت های غلط

بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه چهار سال اخیر، کارهایی که به نظر من دست هایی آن ها را در جامعه ما ترویج می کنند، باب شده است که هر کس ببیند برای او سؤال به وجود می آید. در قدیم الایام در بین طبقه عوام الناس معمول بود که در روزهای عزاداری به بدن خودشان قفل می زدند. بزرگان علما علیه این کار سخن گفتند و بر افتاد. حالا باز هم مجددا شروع کرده اند و شنیده ام در گوشه و کنار بعضی ها قفل می زنند. این چه کاری است که بعضی ها انجام می دهند؟ قمه زدن هم همین جور است. قمه زدن هم از آن کارهای خلاف است. من می دانم که حالا یک عده خواهند گفت که حق این بود که فلانی، اسم قمه را نمی آورد. شما چه کار دارید، بگذار بزنند! نه اما نمی شود. این جور که در چهار پنج سال اخیر و بعد از جنگ، مسئله قمه زدن را دارند ترویج می کنند، [اگر] در زمان حیات مبارک امام هم همین جور بود، قطعا ایشان در مقابل این قضیه می ایستادند...

2. وظیفه امروز شیعه

دست علمای سلف بسته بود و نمی توانستند این حرف ها را بگویند. اما امروز، روز حاکمیت اسلام و جلوه اسلام است. ما نباید کاری بکنیم که جامعه اسلامی برتر؛ یعنی جامعه محبّ اهل بیت «علیهم السلام» که مفتخر به نام مقدس ولی عصر «ارواحنا فداه» است، به نام حسین بن علی «علیه السلام» و به نام امیر المؤمنین «علیه السلام» در نظر مسلمانان عالم و غیر مسلمان ها به عنوان یک گروه آدم های خرافی و بی منطق معرفی بشود. من حقیقتا هر چه فکر کردم، دیدم نمی توانم این مطلب را که قطعا یک خلاف و بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنید! بنده قلبا از این کارها راضی نیستم...

3. توجه به سیره علمای سلف

من نمی دانم این کارها از کجاست و کدام سلیقه ها این کارها را به داخل جوامع اسلامی و انقلابی ما می آورد؟ اخیرا یک بدعت عجیب و غریب و نا مأنوسی در باب زیارت درست کرده اند. شما ببینید قبر مطهر پیغمبر «صلی الله علیه و آله» و ائمه هدی «علیهم السلام» را همه زیارت می کردند. قبر مطهر پیغمبر «صلی الله علیه و آله» و امام حسین «علیه السلام» را ائمه ما، امام صادق، موسی بن جعفر و بقیه ائمه «علیهم السلام» زیارت می کردند. قبور مطهره اهل بیت «علیهم السلام» در عراق و ایران را، علما و فقهای بزرگ، زیارت می کردند. شما هرگز شنیده اید که یک نفر از علماء یا ائمه «علیهم السلام» وقتی می خواستند زیارت کنند، از در صحن که وارد می شوند، روی زمین بخوابند و سینه خیز خودشان را به حرم برسانند؟! اگر این کار مستحسن و مستحب و خوب و مقبول بوده، بزرگان ما این کار را می کردند، ولی آن ها نکردند. حتی نقل شده است که آیت الله العظمی بروجردی «رضوان الله تعالی علیه»، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی، عمیق و روشن فکر از این که عتبه را ببوسند، منع می کردند، با این که این کار شاید مستحب باشد. احتمالاً در روایت بوسیدن عتبه وارد شده است و در کتاب دعا و به ذهنم می رسد که در روایات هم هست که عتبه را ببوسند. با این که کار مستحب است، ایشان می گفتند: این کار را نکنید تا مبادا دیگران خیال کنند که ما بر قبور ائمه سجده می کنیم و دشمنان علیه شیعه تشکیکی درست نکنند. حالا ناگهان عدّه ای از در صحن مطهر علی بن موسی الرضا «علیه السلام» وارد که می شوند، می افتند و دویست متر را سینه خیز می روند. آیا این کار درست است؟ نه! این کار غلط است و اهانت به دین و زیارت است. چه کسی این چیزها را بین مردم باب می کند؟ نکند این ها کار دشمن باشد! دین و اسلام، منطقی است و منطقی ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد».

پی نوشت ها:

1. صحیفه نور، ج 13، ص 154.

2. سخنرانی 22/3/73 به نقل از ابوالفضل هادی منش، آیین ستایشگری، ص 215.

3. مصباح المتهجد، ص 713.

4. خداوند پاداش ما را در مصیبت حسین «علیه السلام» افزون کند و ما را از خون خواهان او قرار دهد همراه ولیّ خدا، امام مهدی «عج» از خاندان پیامبر «صلی الله علیه و آله».

5. جعفر بن محمد قولویه القمی، کامل الزیارات، ص 174.

6. سخنرانی 22/3/73 به نقل از آیین ستایشگری، ص 212.